

اهالی بالاخیابان از بسته شدن مسیر نوغان به طبرسی گله مندند

بلوکه های سؤال برانگیز نوغان



زیادی از این معبر تردد می کنند. پارک خودروها در این شلوغی هم برای کسبه و هم برای رهگذران مشکل ساز شده است. او به تاکسی های زرد رنگی که بدون هیچ نظم خاصی در میانه بولوار بسته شده توقف کرده اند. اشاره می کند و می گوید: تاکسی ها هم از این فرصت استفاده می کنند و ساعت ها اینجا هستند تا مسافر بزنند.

● دلیل بسته بودن مسیر، ایمنی مردم است

رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ثامن با اشاره به اینکه پروژه اتصال تونل انرژی در تقاطع شارستان از بولوار علامه حسن زاده آملی به شارستان طبرسی شوشتری از زیرزمین در حال انجام است، توضیح می دهد: تردد خودرویی در این محل به دلیل ایمنی مردم متوقف شده است.

سید بهمن موسوی نیا ادامه می دهد: طرح اصلاح هندسی چهارراه طبرسی راد دست داریم که قرار است در آن خیابان نوغان ۶ تا طبرسی سنگ فرش شود، همان طور که گذر تشریف نوغان از کامیاب ۱۰ تا نوغان ۶، به صورت سواره و پیاده اجرا شده است؛ اما اینکه نوغان ۶ تا طبرسی فقط به صورت پیاده راه تعریف شود یا نه، مسئله ای است که باید در شورای هماهنگی و با حضور نمایندگان استانداری، شهرداری و مدیرکل امور شهرداری و... درباره آن تصمیم گیری شود.

بی بی زهراتریتی نژاد مسئول کاروان زائرانی است که از استان گلستان به مشهد آمده اند و در اقامتگاهی در خیابان نوغان ساکن شده اند. او می گوید: اگر این راه باز شود، خیلی به نفع زائر است. بارها اتفاق افتاده است از سمت خیابان آیت... شیرازی به نوغان مسافر پیاده کرده ایم و به دلیل باز نبودن مسیر، دورزدن خودروها بسیار سخت شده است و ساعت ها سرگردان شده ایم.

● پارکینگی در میانه معبر

محمد حامدی، از کسبه خیابان نوغان، با خودروهایی که جلو مغازه اش پارک می کنند، مشکل دارد و می گوید: اینجا به پارکینگ خودرو تبدیل شده است، در صورتی که محل گذر است و عده

زهراسحاقی اترافیک مقابل مغازه های خیابان نوغان ۶ برای زائرانی که با وسیله نقلیه شخصی خودشان را از خیابان آیت... شیرازی به نوغان رسانده اند تا به زیارت بروند، به اندازه کافی کلافه کننده است و وقتی به بلوکه های سیمانی بزرگ می رسند که بدون هیچ تابلویی در مسیر نوغان به سمت طبرسی قرار گرفته و مسیر آن ها را بسته است، بیشتر از قبل سردرگم می شوند.

از حدود سه سال قبل که این بلوکه ها در مسیر نوغان قرار گرفت، ساکنان محله و کسبه هم ناراضی هستند و دلیل جاگیری آن ها را نمی دانند.

● سرگردانی زائر و مجاور

مجید شاهی، نماینده کسبه در شورای اجتماعی محله بالاخیابان، می گوید: بستن معبر بدون دلیل و فقط با چند بلوکه برای مردم محله قابل قبول نیست. من چندین مرتبه این موضوع را در نشست های شورای اجتماعی محله مطرح کردم و باز هم پیگیر خواهم بود.

یکی از ساکنان این خیابان که شاهد سرگردانی مسافران در این مدت بوده است، می گوید: تا سه سال قبل این راه باز بود و خودروها رفت و آمد می کردند. رسول مقدس از مسئولان می خواهد به مردم توضیح دهند که چرا و چه مدت این مسیر بسته خواهد بود.



محمد قارونی، کاسب محله پایین خیابان، برکت خدمت به زائر را زیاد دیده است

گرفتن فیش حج از امام رضا(ع)



ما هم با پارچه پوشانده می شود تا دو طرف کوچه رنگ و روی آن مناسب را بگیرد.

● به زائران اعتماد داریم

زندگی قارونی با زائران زیارت گره خورده است. با او به مغازه اش می رویم. شماره تلفن همراهش را با خط درشت به شیشه مغازه چسبانده است و می گوید: شماره ام را روی تابلو نوشته ام تا اگر زائری نصفه شب یا دم سحر ماشینش خراب شد و قطعه ای لازم داشت، معطل نشود. هیچ وقت صدای گواهی ام را هم قطع نمی کنم تا هر وقت کسی زنگ زد، حتی اگر خواب هستم، بیدار شوم.

صدای بم اولحن آرامی دارد. او که سود و منفعت مالی برایش ارزشی ندارد، با همان آرامش می گوید: زائران را خیلی دوست

نجمه موسوی کاهانی امرتضی قارونی یکی از کاسبان قدیمی خیابان وحدت است و فروشگاه لوازم یدکی خودرو دارد. شغلش خیلی به کار زائر حضرت می آید و وقت و بی وقت گره از کار زائران در راه مانده ای باز می کند که وسیله نقلیه شان خراب شده است.

او که پدر و پدربزرگش هم به دلیل اعتقادی که داشته اند، همه عمر ساکن پایین خیابان و پایین پای حضرت بوده اند، معتقد است از برکت همین گره گشایی از زائران، فیش حج را امام رضا(ع) برایش امضا کرده است و خاطره حج رفتنش را برایشان تعریف می کند.

● خانه باید پایین پای حضرت باشد

از مغازه اش تا مسجدی که با دست های پدرش ساخته شده، کمتر از یک دقیقه راه است. اصالتا یزدی است و بارها داستان کوچ اجدادش از یزد را از زبان پدرش شنیده است. او که هنوز چراغ خانه آبا و اجدادی شان در پایین خیابان را روشن نگه داشته است، می گوید: یک بار از پدرم پرسیدم چرا پدرتان از یزد به این خیابان آمد و نرفت جای دیگر؟ پدر خدا بیامرز گفت ما عقیده داریم باید پایین پای امام رضا(ع) خانه داشته باشیم. ما هم با همین اعتقاد همین جا ماندیم. خانه شان درست روی مسجد موسی بن جعفر(ع) است. دستی به دیوار بدون نمای خانه می کشد و می گوید: مسجد قدیمی را پدر بزرگم ساخته بود و بنای جدید را چهل سال قبل پدرم، غلامرضا قارونی خرمی ساخت. هر وقت مراسمی در مسجد برپاست، دیوار خانه



دارم، حتی برای یک پیچ هم می آیم مغازه را باز می کنم. گاهی قطعه ای که می خواهند با اینکه کار راه انداز است، این قدر ناچیز است که هزینه هم نمی گیرم. گاهی هم وسیله را می برند تا ببینند به کارشان می آید یا نه. اگر به دردشان خورد، بعد پولش را بیاورند. تا به حال نشده است زائری وسیله ای را ببرد و پولش را نیاورد.

● حتی هزینه ولیمه هم جور شد

بعد از همه این حرف ها، با لبخندی می گوید: از برکت همین خدمت به زائر، زیارت خانه خدا و پیامبر نصیبم شد. یک سال عموی خانم از تهران آمده بود به مشهد، من هم با ویلچر بردمش حرم تا یک دل سیر زیارت کند. روبه روی پنجره فولاد ایستاده بودیم که یک خانمی آمد و تا شکلات به ما داد و در میان جمعیت گم شد. دوسه روز بعد یکی از دوستانم که داشت به حج می رفت، به من گفت تو هم می خواهی به مکه بروی؟ بالهجه مشهدی گفتم: از خدماته ۱۰ روز بعد گفت بیا کارهای ثبت نامت را انجام بده. سال ۱۳۸۸ بود. آن زمان ثبت نام حج چند سال طول می کشید. اما برای من و همسرم خیلی زود کارها درست شد. دفتر نسبه ای را که جلوی گذار شده است، باز می کند و ادامه می دهد: هزینه اش هم جور شد. یک وامی که مدت ها منتظرش بودیم، درست شد و حتی توانستیم با آن ولیمه هم بدیم.